

اخبار و گزارش های کارگری 4 تیرماه 1405

- اعتصاب کارگران پروژه پنل خورشیدی زاهدان در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق
- بازنشستگان مطالبه گر کرمانشاه: درد مشترک ، فریاد مشترک می طلبد
- نامه سرگشاده جمعی از اهالی نورآباد ممسنی برای آزادی فوری علی احمدی عضو انجمن صنفی معلمان
- شهرداری تهران جنگزدگان را از هتلها اخراج کرد؛ ابتدا سهمیه نهار و شام قطع شد و بعد کارت ورود به اتاق را غیرفعال کردند
- بی توجهی به بهداشت؛ روایتی تکراری؛ حضور حشرات موذی در محوطه سلف
- توافق پس از ۶۰ روز اعتصاب کارکنان شرکت های تابعه مجموعه بیمارستانی ویوانتس در برلین
- اعتصاب دو روزه پرستاران و کارکنان بخش درمان و بهداشت در منطقه بنی ملال- خنیفره مراکش
- دومین سالگرد خیزش ضد گرانی در کنیا با راهپیمایی و سرکوب پلیس

*اعتصاب کارگران پروژه پنل خورشیدی زاهدان در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق

روز پنجشنبه 4 تیر، کارگران پروژه پنل خورشیدی واقع در 15 کیلومتری شهرستان زاهدان، استان سیستان و بلوچستان در ادامه کنش هایشان برای پرداخت بموقع حقوق، دست به اعتصاب زدند و از رفتن بر سر کار اجتناب کردند.

بر اساس گزارش منابع خبری محلی منتشره در شبکه های اجتماعی، بیش از 50 نفر از کارگران بلوچ در این پروژه مشغول به کار بوده اند، اما تاکنون حقوق و مطالبات آنان به طور کامل پرداخت نشده است. کارگران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و بی نتیجه ماندن پیگیری هایشان، از حضور در محل کار خودداری کرده و دست به اعتصاب زده اند، اما تاکنون هیچ پاسخ یا اقدام مؤثری از سوی مسئولان پروژه صورت نگرفته است.

بنا به همین گزارش، مسئول و مهندس پروژه با وجود پیگیری های مکرر کارگران، پاسخگوی تماس ها و درخواست های آنان نیست و تنها به تعداد محدودی از کارگران بخشی از مطالباتشان پرداخت شده است.

*بازنشستگان مطالبه گر کرمانشاه: درد مشترک ، فریاد مشترک می طلبد

خواسته ما مطالبه یک زندگی در شان انسان مدرن امروز است .

رفع تبعیض و نابرابری و برچیده شدن بساط ستم و استثمار در تمامی عرصه های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی ،،

آزادی ، کرامت انسانی ، معیشت مناسب و تحصیل و درمان رایگان جز حقوق همگان است .
بار دیگر به خیابان می آییم و با صدایی رسا این حقوق قانونی و انسانی خود را فریاد میزنیم.
وعده دیدار ما همزمان با سایر شهرها :

یکشنبه ۷ تیرماه ۴۰۵

ساعت ۱۰ صبح

سه راه ۲۲ بهمن ، مقابل سازمان تامین اجتماعی کرمانشاه

بازنشستگان مطالبه گر کرمانشاه

زنده باد زندگی ، نابود باد بندگی

***نامه سرگشاده جمعی از اهالی نورآباد ممسنی برای آزادی فوری علی احمدی عضو انجمن صنفی
معلمان**

به گزارش روز پنج شنبه 4 تیر، کانال انجمن صنفی معلمان جمعی از اهالی نورآباد ممسنی نامه ای سرگشاده برای آزادی فوری علی احمدی عضو انجمن صنفی معلمان بشرح زیر منتشر کردند:

مردم آگاه و شجاع نورآباد ممسنی اینک با دلی آکنده از اندوه و انصاف سخن می گویند و آزادی فوری #علی_احمدی عضو انجمن صنفی معلمان ممسنی معلمی فرهیخته و چهره ای پاکدست و مردم دار را خواستارند .

او سالیان دراز در کنار مردم زیست و در همه مسئولیت های اجتماعی چه در زمانیکه در آموزش و پرورش بود و چه در دوره های متوالی که در شورای شهر خدمت میکرد جز صداقت ، شرافت و قانونمداری از او دیده نشد.

او معلمی دلسوز و اصلاح طلبی مسالمت جو بود که همواره راه گفتگو، مدارا و اصلاح را بر خشونت و افراط ترجیح داد و در عمر اجتماعی خویش هیچگاه از جایگاه خود برای منفعت شخصی بهره نجست .

امروز اما این انسان شریف در بند است و بنا بر گزارش های رسیده از بیماری نیز رنج می برد و محروم ماندن او از درمان شایسته با هیچ معیار انسانی و اخلاقی سازگار نیست.

علی احمدی متهم هست به:

1-فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی

2-تحریک مردم به جنگ به قصد برهم زدن امنیت کشور

3-معاونت در تخریب اموال عمومی و دولتی

4-فساد فی الارض.

هر کسی نام علی احمدی را شنیده باشد و از نزدیک او را دیده باشد می داند که این اتهامات در مورد ایشان سندیتی ندارد . سوال ما از محاکم قضایی رسیدگی به اتهامات، این است:

1_ علی احمدی در کجا و کدام مردم را بر علیه نظام تحریک و تبلیغ کرده است؟ اموال عمومی کدام شهر را تخریب کرده است؟ در کدام سرزمین افساد نموده است؟

مگر نه این که طبق اتهامات واهی علی احمدی در روز حادثه در نورآباد ممسنی در زادگاهش بوده است، و مقرر شده بود که در دادسرای ممسنی به اتهاماتش رسیدگی شود چگونه است که ایشان را در بازداشتگاه عادل آباد شیراز و در شعبه ۱۰ بازپرسی دادگاه ابریشمی دور از دیار و خانواده، محاکمه می کنند؟

عدالت اگر قرار است روشن بماند باید در روشنای قانون و در همان خاکی بنشیند که دعوی از آن برخاسته است.

از مراجع محترم قضایی و مسئولان ذیربط با احترام و صراحت درخواست می‌کنیم که ضمن رعایت شأن انسانی و حقوق قانونی علی احمدی زمینه آزادی او را فراهم آورند تا روند رسیدگی در فضایی عادلانه شفاف و دور از شتاب و فشار ادامه یابد .

اگر اتهامی هست باید در محک محکمه‌ای منصفانه و مستند به قانون سنجیده شود و تا آن روز حق زندگی کنار خانواده و حق درمان نباید از او سلب گردد .

مردم نورآباد ممسنی باور دارند که علی احمدی نه دشمن این دیار بلکه فرزند صادق آن است و نام او در حافظه شهر به عنوان شخصی شرافت مدار گره خورده است .

***شهرداری تهران جنگ‌زدگان را از هتل‌ها اخراج کرد؛ ابتدا سهمیه ناهار و شام قطع شد و بعد کارت ورود به اتاق را غیرفعال کردند**

از نیمه هفته قبل و در آخرین هفته‌خرداد، مسوولان هتل‌ها به این خانواده‌ها گفتند که طبق اعلام مسوولان شهرداری، مدت اقامت‌شان در هتل‌ها به پایان رسیده و باید ظرف 12 تا 24 ساعت اتاق را تخلیه کنند. تعدادی از این خانواده‌ها گفتند که در واکنش به این اعلام غیر منتظره، اعتراض کردند ولی بی‌فایده بود و از نیمه هفته قبل، سهمیه ناهار و شام‌شان قطع شد و کارت ورود به اتاق‌شان غیر فعال شد و تعدادی‌شان که مکانی برای سکونت نداشتند، مجبور شدند تمام روز و شب را یا در حیاط هتل‌ها یا در خیابان‌ها سپری کنند.



تعداد زیادی از جنگ‌زدگان تهران که از هفته اول اسفند پارسال به دلیل تخریب خانه‌هایشان به هتل‌های پایتخت منتقل شده بودند، از نیمه هفته قبل، با اینکه بعضی‌شان جایی برای زندگی نداشتند و خانه بعضی‌شان، ناامن و غیر قابل سکونت بود و بعضی‌شان، هنوز وام ودیعه و کمک هزینه خرید وسایل از شهرداری نگرفته بودند، با حکم تخلیه اجباری، وادار به ترک هتل‌ها شدند.

تعداد زیادی از این خانواده‌ها، تا پیش از 9 اسفند پارسال، در مناطقی مثل دردشت، پاستور، نازی‌آباد، جوادیه و شمال میدان رسالت ساکن بودند که با آغاز جنگ، اهدافی در جوار خانه‌هایشان مورد اصابت موشک قرار گرفت و منزل‌شان، به دلیل ریزش دیوارهای داخلی و بیرونی، تاب برداشتن یا ترک و ریزش سقف، تخریب ورودی و پله‌های ساختمان یا تخریب درها و پنجره‌ها، غیر قابل سکونت و نیازمند مقاوم‌سازی شد.

با این حال، از نیمه هفته قبل و در آخرین هفته‌خرداد، مسولان هتل‌ها به این خانواده‌ها گفتند که طبق اعلام مسولان شهرداری، مدت اقامت‌شان در هتل‌ها به پایان رسیده و باید ظرف 12 تا 24 ساعت اتاق را تخلیه کنند. تعدادی از این خانواده‌ها گفتند که در واکنش به این اعلام غیر منتظره، اعتراض کردند ولی بی‌فایده بود و از نیمه هفته قبل، سهمیه ناهار و شام‌شان قطع شد و کارت ورود به اتاق‌شان غیر فعال شد و تعدادی‌شان که مکانی برای سکونت نداشتند، مجبور شدند تمام روز و شب را در حیاط هتل‌ها یا در خیابان‌ها سپری کنند.

آقای میم، سرپرست یکی از همین خانواده‌هاست که از دوشنبه هفته قبل، حکم تخلیه گرفت. آقای میم، 6 فرزند دارد و شامگاه دوشنبه، کارت ورود به اتاقش توسط مسولان هتل غیرفعال شد در حالی که وسایل‌شان داخل اتاق بود. آقای میم و همسر و فرزندانش، غروب دوشنبه تا عصر سه‌شنبه را در

حیاط هتل سپری کردند و از عصر سه‌شنبه، اجازه اسکان در حیاط هم نداشتند و ناچار شدند در خیابان روبه‌روی هتل بمانند .

آقای میم و خانواده‌اش، تا 9 اسفند پارسال در یک منزل اجاره‌ای در نازی‌آباد زندگی می‌کردند ولی با هدف قرار گرفتن این منطقه، به دلیل حجم آوار و شدت تخریب خانه‌شان، به هتل متعلق به شهرداری منتقل شدند . از دو هفته قبل، شهرداری منطقه به آقای میم گفته بود که باید به دنبال اجاره منزل و تخلیه هتل باشد و قرار بود وام ودیعه‌ای به مبلغ 600 میلیون تومان هم، توسط دو فرد نیکوکار همکار با شهرداری تامین شود.

آقای میم، بعد از اخطار شهرداری به دنبال خانه اجاره‌ای گشت در حالی که وسایل زندگی‌اش، در همان خانه نازی‌آباد باقی مانده بود و اعتبار قرارداد اجاره‌اش هم 31 خرداد تمام می‌شد. هفته قبل، خانه‌ای برای اجاره پیدا کرد و با صاحبخانه جدید، قرارداد نوشت ولی در طول این هفته، فقط یکی از نیکوکاران همکار با شهرداری، سهم 300 میلیونی وام ودیعه را داد و صاحبخانه جدید به آقای میم گفت که تا زمان واریز باقی وام ودیعه، اجازه ورود به منزل اجاره‌ای را ندارد. پیگیری‌های آقای میم در روزهای قبل برای دریافت باقی سهم وام ودیعه بی‌نتیجه بود و دوشنبه شب، کارت اتاق خانواده آقای میم غیر فعال شد و اعتراض هم بی‌فایده بود و خانواده 8 نفره، تمام ساعات شب تا صبح را در حیاط هتل سپری کرد.

آقای میم گفت که صاحبخانه قبلی در نازی‌آباد، تهدید کرده که اگر تا 31 خرداد، خرده‌ریزهای باقی مانده از وسایلش را از خانه تخریب شده جمع نکند، ودیعه امانت را به خزانه دولت می‌ریزد و صاحبخانه جدید هم گفته اگر تا اول تیر ماه، باقی مانده ودیعه را به حسابش واریز نکند، باید بابت هر روز دیرکرد 5 میلیون تومان جریمه بدهد. آقای میم، دیروز می‌گفت تا عصر پنجشنبه‌ای که گذشت، از واریز باقی مانده کمک ودیعه شهرداری خبری نبود در حالی که از غروب چهارشنبه، اعضای خانواده آقای میم، حتی برای برداشتن وسایلشان هم اجازه ورود به اتاق هتل را نداشتند .

خانم میم، یکی دیگر از ساکنان هتل است که سه‌شنبه شب، با اینکه خانه‌اش بنا به اعلام بازرس مدیریت بحران شهرداری، ناامن و غیرقابل سکونت بود، حکم تخلیه هتل گرفت و بامداد پنجشنبه به همان خانه ناامن بازگشت. منزل خانم میم در خیابان دردشت است که بعد از ظهر 11 اسفند پارسال، ساختمان روبه‌روی خانه‌اش با 3 موشک هدف قرار گرفت و با موج انفجار، در و تمام پنجره‌های این خانه، شکست و از جا کنده شد و دیوارها ترک برداشت و سقف ریزش کرد .

خانم میم که بر اثر شدت موج انفجار، پرت شده بود، تا نیم ساعت، حواس تشخیص زمان و مکان را از دست داده بود و با کمک همسایه‌ها از زیر آوار و از فضایی که پر شده بود با دود و غبار آوار، بیرون آمد و همان روز هم به هتل منتقل شد ولی در روزهای بعد که به خانه‌اش برگشت تا از اسباب زندگی 60 ساله‌اش، تکه‌های بیرون بکشد، متوجه شد که تمام وسایل با موج انفجار ترکیده و حجم خرده‌شیشه‌هایی که میل و فرش‌های دستباف و پرده‌ها را سوراخ کرده، در حدی است که اینها به درد شستن هم نمی‌خورند . خانم میم، با مشاهده خسارتی که زندگی و خانه‌اش را نابود کرده بود، دچار نقص حافظه شد و تا دو ماه بعد، شب‌ها با کابوس انفجار و ترکیدن شیشه‌ها و ریزش سقف از خواب می‌پرید .

خانم میم می‌گوید که نیمه هفته قبل، 150 میلیون تومان به حسابش واریز شد که معلوم نبود آیا این هزینه برای بازسازی یا خرید وسیله منزل است و به دنبال واریز این وجه هم، مسوولان هتل به خانم میم گفتند که باید بلافاصله، هتل را تخلیه کند. مراجعات مکرر این خانم به شهرداری برای تمدید اقامت در هتل بی‌فایده بود. ظهر و غروب چهارشنبه، این خانم مثل روزهای قبل برای دریافت سهمیه غذا مراجعه کرد ولی مسوولان هتل گفتند که چون حکم خروج و تخلیه اتاق برایش زده‌اند، سهمیه غذا ندارد. خانم میم، دقایقی پیش از بامداد پنجشنبه، به خانه‌ای برگشت که در و پنجره نداشت و به دلیل ناامنی ساختمان، گازش قطع بود و زمینش پر از آوار سقف و دیوار بود.

«وقتی به خونه برگشتم، روی آوار راه رفتم و تا صبح فقط گریه کردم. روز پنجشنبه، بچه‌های جهادی اومدن و آوار کف خونه رو جمع کردن و خونه رو تمیز کردن. خونه، هنوز در و پنجره و شیشه نداره. کولر ندارم در حالی که شهرداری به من گفت به شرطی که هتل رو تخلیه کنی بهت کولر می‌دیم. حتی نمی‌تونم غذا بپزم یا دوش بگیرم چون جریان گاز قطعه و شرکت گاز میگه فعلا نمی‌تونه گاز رو وصل کنه چون خونه برای وصل جریان گاز ایمن نیست. من یک سقف امن می‌خوام».

آقای الف، یکی دیگر از ساکنان هتل است که حالا که این گزارش را می‌خوانید، آقای الف و همسر و پسرش، سرگردان در خیابان‌های شهرند چون دقیقه‌های آخر پنجشنبه، وادار شدند که ساعت 6 صبح جمعه اتاق هتل را تخلیه کنند در حالی که خانه مسکونی‌شان غیر قابل سکونت اعلام شده بود.

آقای الف، مالک یک منزل دوطبقه ویلایی در حوالی میدان نارمک بود که روز 18 اسفند، ساختمان همجوارش هدف موشک قرار گرفت و طبقه دوم خانه آقای الف به‌طور کامل تخریب شد و سقف طبقه اول تاب برداشت و تمام درها و پنجره‌ها کنده شد و آنچه از این خانه ویلایی به جا ماند، در حدی ناامن بود که امدادگران و آتش‌نشان‌ها هم با ترس وارد محوطه می‌شدند.

آقای الف این خانه را بعد از 15 سال کار در جنوب کشور خریده بود و دلش می‌خواست که باز هم با همین شکل آن را حفظ کند. چند هفته قبل وقتی به شهرداری رفت و گفت که مایل نیست به جای خانه‌اش برج و آپارتمان مسکونی ساخته شود و دلش نمی‌خواهد زمینش را به پیمانکاران شهرداری بسپرد و می‌خواهد در بازسازی، باز هم یک خانه ویلایی داشته باشد، مسوولان شهرداری، گفتند حالا که حاضر نیستی زمینت را به پیمانکاران ما بسپاری، از وام ودیعه خبری نیست و باید با هزینه خودت به دنبال خانه اجاره‌ای باشی.

آقای الف تا دیروز نتوانست خانه‌ای برای اجاره پیدا کند ولی از صبح پنجشنبه، از شهرداری و کارکنان هتل، هر نیم ساعت یکبار به تلفنش زنگ زده‌اند و گفته‌اند باید هرچه زودتر اتاق را خالی کند و آخرین نوبت این تماس‌ها هم نیم ساعت قبل از بامداد جمعه بود که در نهایت آقای الف در جواب آخرین تماس تلفنی، گفت که ساعت 6 صبح جمعه، اتاق را به هتل تحویل خواهد داد.

این هتل که در شرقی‌ترین نقطه تهران است، 110 اتاق دارد و طبق گفته ساکنان هتل، تا دو هفته قبل حدود 250 نفر در این هتل ساکن بودند ولی مسوولان هتل به ساکنان گفته بودند که قرارداد شهرداری تهران با این هتل، تا اول تیرماه بوده و هر فردی بخواد مدت بیشتری در هتل بماند، باید از جیب خودش برای هزینه‌های هتل پرداخت کند.

ساعت‌های آخر پنجشنبه شب 28 خرداد، کمتر از 50 نفر در اتاق‌های این هتل ساکن بودند. سمیرا و مادرش یکی از همین‌ها هستند که تا صبح 9 اسفند در منزل‌شان در خیابان پاستور بودند و بعد از حمله هوایی به این منطقه، خانه‌شان به‌طور کامل تخریب شد و با کمک امدادگران از زیر آوار بیرون آمدند و تا یک روز بعد از انفجار، تا زمان هماهنگی انتقال به هتل، در خیابان به سر بردند. تنها منبع درآمد این مادر و دختر، مستمری پدر سمیراست.

سمیرا می‌گوید که صبح چهارشنبه، وام ودیعه دو میلیارد تومانی به حسابش واریز شده و با این واریز که قرار است دو سال بعد در همین ایام به حساب شهرداری بازگردانده شود، معلوم است که باید هرچه زودتر اتاق هتل را تخلیه کنند در حالی که مادر سمیرا، علاوه بر آسیب ناشی از موج انفجار، دچار مشکلات شنوایی و بینایی و زخم‌های ناشی از ترکش شیشه‌ها شده و سمیرا هم با این شرایط مادر سالمندش، نمی‌توانسته به دنبال خانه اجاره‌ای بگردد و حالا، این مادر و دختر، جایی برای زندگی ندارند.

سمیرا از آنچه از نیمه هفته قبل در هتل شاهد بوده می‌گوید: «تمام خانم‌های هتل با اشک و گریه از هتل رفتن. این مردم، آسیب دیده بودن. خیلی هاشون، مثل ما، خونه و تمام وسایل زندگی‌شون رو از دست داده بودن ولی از هفته قبل، کارت اتاقتون شارژ نشد و اجازه ورود به اتاق نداشتن. غذای خیلی هاشون از هفته قبل قطع شد و وقتی ظهر یا شب برای غذا می‌اومدن، کارکنان هتل می‌گفتن اسم شما توی لیست غذا نیست و نمی‌تونیم بهتون ناهار یا شام بدیم. کارکنان هتل به خیلی هاشون می‌گفتن دیگه نمی‌تونیم به شما صابون و دستمال کاغذی بدیم و خودتون باید بخرین و نمی‌تونیم اتاق‌تون رو تمیز کنیم و خودتون باید اتاق‌تون رو جاروبرقی بکشین.»

آقای قاف یکی از دیگر از ساکنان هتل است که شامگاه 10 اسفند، ساختمانی در 20 قدمی خانه‌اش با موشک منفجر شد. با این انفجار، نیمی از خانه آقای قاف؛ آن تکه‌ای که رو به خیابان بود، از دیوار و شیشه و هرچه وسیله زندگی بود، تخریب شد و ماشین‌هایش زیر آوار پارکینگ ساختمان ماند و آسانسور مجتمع 7 طبقه سقوط کرد و نیمی از راه پله‌ها ویران شد.

آقای قاف که با این صدا و لرزش ساختمان، مرگ را به چشمش دیده بود، فقط توانست مدارک مهم را از کتوهای آتش‌زخانه‌اش بقاپد و لباسی به تنش بکشد و از همان پله‌های نیمه کاره و دود گرفته، از خانه‌ای که تن تمام دیوارهایش با ترکش شیشه‌ها سوراخ شده بود، به خیابان فرار کند. آقای قاف، سه روز بعد از تخریب خانه‌اش به هتل آمد و با اینکه ساختمان، پله‌هایی برای رفت و آمد نداشت و حتی برای ورود ساکنان ناامن اعلام شده بود، از نیمه‌های اردیبهشت امسال، بارها از سازمان مدیریت بحران شهرداری به او تلفن کردند و گفتند که باید با هزینه خودش، خانه را بازسازی کند و هزینه بازسازی را بعدها از شهرداری بگیرد و باید هرچه سریع‌تر اتاق هتل را تخلیه کند.

هفته قبل، به آقای قاف یک بن کارت 400 میلیون تومانی برای خرید وسایل منزل دادند. آقای قاف به یکی از مراکز طرف قرارداد با شهرداری رفت تا با این بن‌کارت، برای خانه نیمه ویرانش، یخچال و اجاق گاز و فرش ماشینی بخرد. یخچالی به قیمت 210 میلیون تومان را هم پسند کرد و رفت پای صندوق که حساب کتاب کند و صندوقدار گفت قیمت این یخچال با بن کارت، 250 میلیون تومان است.

آقای قاف هم که شاهد اتفاقات تلخ هفته قبل بود ولی درباره وجه دیگری از آنچه به این اتفاقات منجر شد حرف می‌زند .

«حدود 250 نفر از جنگ‌زدگان اینجا ساکن بودن. تعدادی از ساکنان هتل، خسارتی بیشتر از شکستگی شیشه و در نداشتن ولی همون روزای اول جنگ، به دلیل فضایی که ایجاد شده بود به هتل اومدن. گروه‌های داوطلب، در و پنجره خونه این افراد رو تعمیر کردن ولی اینها که البته تعدادشون هم زیاد نبود، حاضر نبودن هتل رو تخلیه کنن . چند خانواده هم با اینکه وام ودیعه گرفته بودن و حتی خونه اجاره‌ای هم پیدا کرده بودن و حتی اجاره یک ماه رو هم پرداخت کرده بودن، حاضر نبودن هتل رو تخلیه کنن. تداوم حضور این افراد باعث شد که برای تعداد خیلی زیادی از کسانی که خونه شون به‌طور کامل تخریب شده بود هم، حکم تخلیه صادر بشه. من شاهد بودم که تعداد زیادی از خانواده‌ها که وام ودیعه و بن کارت نگرفته بودن، وادار به تخلیه هتل شدن با اینکه شهرداری می‌دونست که این خانواده‌ها هیچ جایی برای اقامت ندارن.»

آقای ب هم حرف‌های مشابه حرف‌های آقای قاف می‌گوید. خانه آقای ب، خیابان پاستور بود و همان صبح 9 اسفند با اصابت موشک‌ها ترکید؛ نیم ساعت بعد از آنکه اهالی خانه از محدوده پاستور خارج شدند و به سمت کار و دانشگاه رفتند . آقای ب که از همان ظهر 9 اسفند به هتل آمده، می‌گوید قضاوت درباره وضعیت تعدادی از ساکنان هتل خیلی سخت است ولی واقعیتی که در این 4 ماه به چشم دیده، این بوده که در این جنگ، بیشترین آسیب به مستاجرها وارد شد؛ مردمی که هم زندگی‌شان از دست رفت و هم وام ودیعه کمتری می‌گیرند و هم تکلیف‌شان برای جبران خسارت، نامعلوم است .

آقای سین، یکی از همین مستاجرهاست که تا 18 اسفند پارسال، در مجتمع مسکونی خیابان جاجرودی زندگی می‌کرد و به دنبال اصابت سه موشک به هدف همجوار با این مجتمع، خانه‌اش مثل صدها خانه دیگر در این مجتمع و این خیابان، به‌طور کامل تخریب شد و فقط آواری سوخته به جا ماند . آقای سین و همسرش که خویشاوندی در تهران ندارند، در این مجتمع مسکونی مستاجر بودند و 4 سال از عمر ازدواج‌شان می‌گذشت و حالا، از خانه‌ای که 4 سال قبل با جهیزیه عروس تزئین شد، هیچ تکه‌ای به جا نمانده است.

آقای سین حدود 4 روز بعد از تخریب خانه‌اش به هتل منتقل شد و از اواخر اردیبهشت، وقتی اولین زمزمه‌ها از تخلیه هتل‌ها را شنید، به دنبال خانه‌ای برای اجاره می‌گشت ولی در منطقه 4، خانه اجاره‌ای نایاب شده بود چون تعداد آسیب‌دیدگان جنگ در این منطقه خیلی زیاد است و هر بنگاه، حداقل 4 یا 5 فایل درخواست اجاره برای جنگ‌زده‌ها دارد.

صبح پنجشنبه، بالاخره خانه‌ای برای اجاره پیدا شد. چهار روز قبل هم، 650 میلیون تومان به عنوان وام ودیعه به حسابش واریز شده بود و یک بن کارت 400 میلیون تومانی برای خرید وسیله منزل تحویلش دادند . طبق آخرین مهلتی که برایش تعیین کرده‌اند، آقای سین باید صبح شنبه، اتاق هتل را تخلیه می‌کرد در حالی که آغاز قرارداد اجاره‌اش طبق قولنامه‌ای که پنجشنبه امضا کرده، 10 تیرماه است .

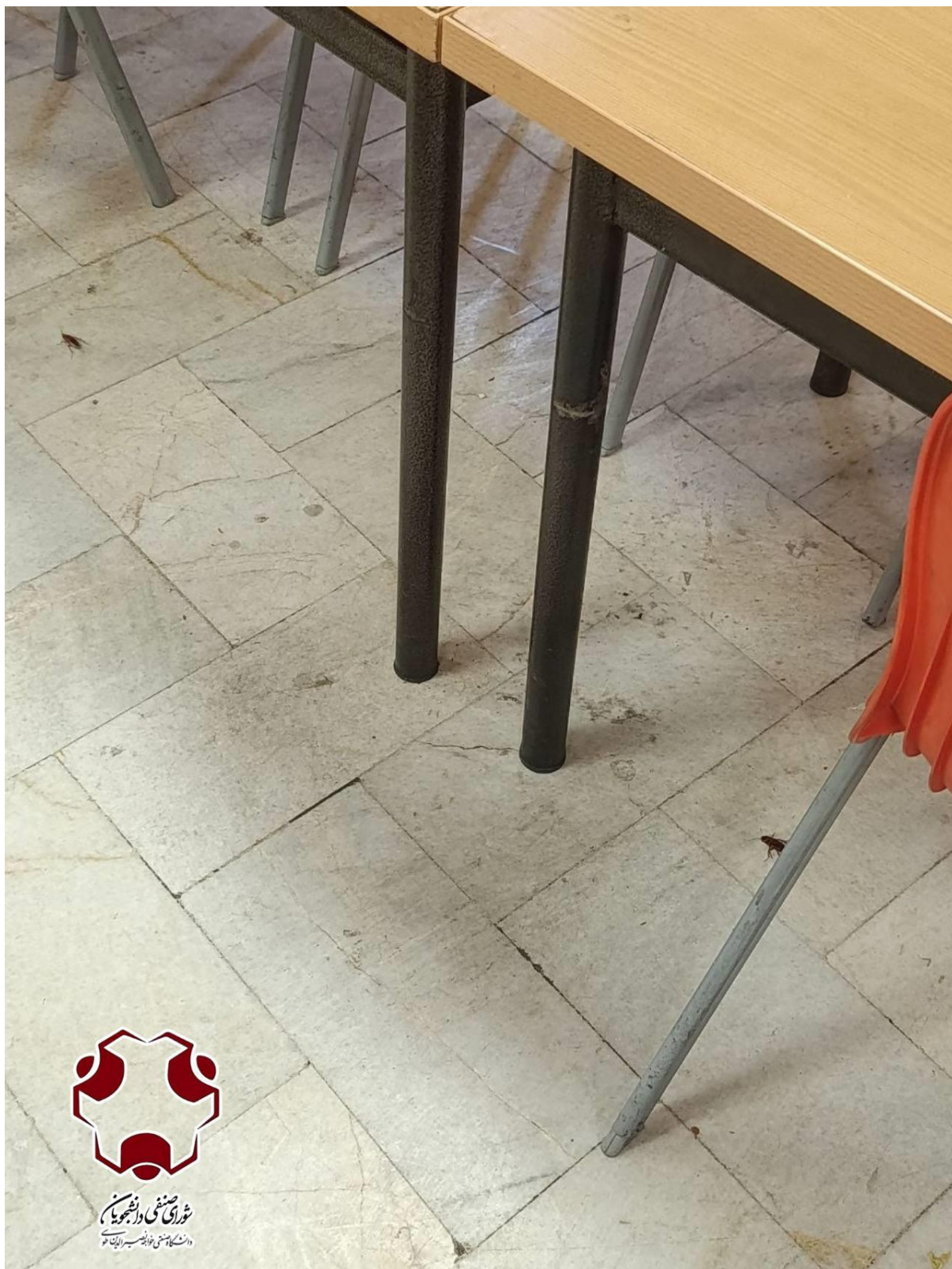
آقای سین می‌گوید: « رفتار این روزای آخر با ما هیچ خوب نبود . صبح سه‌شنبه به من اعلام شد که باید تا آخر شب هتل رو تخلیه کنم و کارت ورود به اتاق رو غیر فعال کردن. سه‌شنبه بدون اینکه به

همسرم بگم، مرخصی گرفتم و به شهرداری رفتم که چند روز مهلت بگیرم . شهرداری موافقت کرد ولی گفت که نامه تمدید اقامت، ساعت 10 شب در سیستم هتل فعال میشه . محل کار همسرم، ساعت 6 عصر تعطیل می‌شد.

از ساعت 6 عصر تا 9 شب همسرم رو توی خیابون‌ها گردوندم و درباره اجبار به تخلیه هم چیزی بهش نگفتم. ساعت 9 شب به هتل برگشتیم ولی مسوول پذیرش گفت زودتر از ساعت 10 شب نمی‌تونیم وارد اتاق بشیم . از مسوول پذیرش خواهش کردم که حداقل، همسرم بتونه به اتاق بره ولی مسوول هتل در نهایت گفت که شرمندهام و کاری از دستم برنمیاد. بالاخره بعد از ساعت 10 وارد اتاق شدیم و حالا نمی‌دونیم که از روز شنبه باید چکار کنیم. من توی خونه‌ام تمام وسایل زندگی رو داشتم. همه ما که این مدت توی هتل زندگی کردیم، تمام وسایل رو داشتیم و گوشت و مرغ و بهترین برنج رو می‌خریدیم ولی حالا باید به جای فرش، زیراندازی که توی صندوق عقب ماشینم داشتم رو کف خونه‌ام پهن کنم. خیلی از ساکنان هتل، حکم تخلیه گرفتن در حالی که هنوز بن‌کارت نگرفته بودن و تمام وسایلشون هم زیر آوار مونده بود و باید به خونه‌ای می‌رفتن که حتی اجاق گاز و یخچال نداشت.»

گزارش رسانه ای شده بتاريخ 31 خرداد

***بی‌توجهی به بهداشت؛ روایتی تکراری؛ حضور حشرات موذی در محوطه سلف**



در تاریخ ۰۳/۰۴/۱۴۰۵، در محوطه سلف پردیس رضایی‌نژاد و فضای مقابل آن، دانشجویان تحصیلات تکمیلی با صحنه‌ای مواجه شدند که با حداقل استانداردهای بهداشتی مورد انتظار از محیط ارائه‌دهنده خدمات تغذیه، فاصله‌ای جدی دارد؛ حضور گسترده سوسک‌ها و حشرات موذی در محل

سرو غذای دانشجویان. چنین وضعیتی در یکی از اصلی‌ترین فضاها رفاهی دانشگاه، نه یک نقص جزئی، بلکه نشانه‌ای روشن از بی‌توجهی جدی به حداقل استانداردهای بهداشتی و مدیریتی است.

حضور حشرات موذی در محوطه سلف، محل تجمع و تغذیه دانشجویان، نه تنها تهدید مستقیم سلامت محسوب می‌شود، بلکه توهین آشکار به شعور، شأن و جایگاه دانشجو است. دانشجو حق دارد در محیطی استاندارد، بهداشتی و قابل اعتماد از خدمات رفاهی استفاده کند؛ حقی که در این وضعیت به‌وضوح نادیده گرفته شده است.

شورای صنفی دانشجویان با قاطعیت اعلام می‌کند که سلامت، بهداشت و کرامت دانشجویان خط قرمز است و مسئولیت کامل این وضعیت و تبعات احتمالی آن بر عهده مدیریت و بخش‌های ذیربط خواهد بود. همچنین شورای صنفی پیگیری‌های لازم را تا حصول نتیجه قطعی و رفع کامل این وضعیت به‌صورت جدی در دستور کار قرار داده و این موضوع را تا انتها دنبال خواهد کرد.

شورای صنفی دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

***توافق پس از ۶۰ روز اعتصاب کارکنان شرکت‌های تابعه مجموعه بیمارستانی ویوانتس در برلین**

کارکنان شرکت‌های تابعه ویوانتس (Vivantes) در برلین، آلمان با مبارزه خود، به توافقی تعرفه‌ای برای همسان‌سازی با قرارداد جمعی خدمات عمومی (TVöD) دست یافتند. با این حال، نابرابری در مقایسه با کارکنان رسمی بیمارستان همچنان پابرجاست.

پس از شصت روز اعتصاب و مذاکرات دشوار، نتیجه مذاکرات تعرفه‌ای برای حدود ۲۲۰۰ (دو هزار و دویست نفر) نفر از کارکنان شرکت‌های تابعه مجموعه بیمارستانی ویوانتس در برلین حاصل به بارنشست. برای کارکنان بخش‌های خدمات غذایی، لجستیک، نظافت، فنی، توان‌بخشی و مراکز خدمات پزشکی (MVZ) بهبودهایی به دست آمد.

یانا زپلت، سرپرست تیم مذاکره‌کننده اتحادیه خدماتی وردی (Verdi)، از «مصلح‌های که در شرایط دشوار و با تلاش فراوان به دست آمده است» سخن گفت. بر این اساس، مشروط به آنکه دست‌کم بیست و پنج درصد از اعضای وردی در همه‌پرسی که تا سوم ژوئیه ادامه دارد از آن حمایت کنند، دستمزدها و حقوق تمامی گروه‌های شغلی مورد مذاکره به‌صورت مرحله‌ای تا سال ۲۰۳۱ (دو هزار و سی و یک) به سطح قرارداد جمعی خدمات عمومی (TVöD) خواهد رسید.

در گام نخست، حقوق‌ها و دستمزدها با اثر بازگشتی از اول ژانویه ۲۰۲۶ حدود چهار درصد افزایش می‌یابد و در گام دوم از اول مه ۲۰۲۶ نیز ۲/۸ (دو و هشت دهم) درصد دیگر به آن افزوده خواهد شد. برای کارکنان شرکت

Vivantes MVZ GmbH مقررات متفاوتی در نظر گرفته شده است که بر اساس آن، حقوق‌ها از اول ژانویه ۲۰۲۶ به میزان ۷/۸ درصد افزایش می‌یابد و در سال‌های بعد نیز هر بار از اول ژانویه متناسب با تعرفه خدمات پزشکی تحت پوشش بیمه‌های درمانی قانونی تعدیل خواهد شد. ساعات کار هفتگی از اول دسامبر ۲۰۳۰ با حفظ کامل سطح دستمزد از ۳۹ ساعت به ۳۸/۵ ساعت کاهش می‌یابد. پرداخت ویژه سالانه در سطح سال ۲۰۲۵ تثبیت خواهد شد. فوق‌العاده کار در شیفت‌های

گردشی از اول ژانویه ۲۰۲۹ به ۲۰۰ یورو و فوق‌العاده کار شیفتهی به ۸۰ یورو افزایش می‌یابد.
کارکنان بخش (Zentralsterilisation)

استریلیزاسیون مرکزی از اول اوت ۲۰۲۶ فوق‌العاده افزایش یافته کار در شیفتهای گردشی به مبلغ ۱۵۵ یورو دریافت خواهند کرد. مدت اعتبار قرارداد جمعی ۷۲ ماه است که از اول ژانویه ۲۰۲۶ محاسبه می‌شود. زیلت افزود که کارکنان در طول اعتصاب‌ها و روند مبارزه تعرفه‌ای تحت فشار عظیمی قرار داشتند؛ «از جمله به دلیل الزامات صرفه‌جویی بودجه ایالت برلین، کاهش‌های احتمالی ناشی از اصلاحات بیمه درمانی قانونی (GKV) و ابهام پیرامون تأمین مالی ویوانتس.»

از دیدگاه دوروتئا اشمیت، مدیر مسئول مدیریت منابع انسانی در ویوانتس، این کنسرن بیمارستانی متعلق به ایالت با این توافق تعرفه‌ای «نه‌تنها به مرز توان مالی دردناک خود رسیده، بلکه به‌طور قابل توجهی از آن نیز فراتر رفته است». او گفت با توجه به وضعیت اقتصادی دشوار و «کاهش‌های شدید بیشتری که در تأمین مالی بیمارستان‌ها قابل پیش‌بینی است، این توافق به معنای امتیازدهی بسیار گسترده‌ای است». اما همه چنین نظری ندارند. نیکودم تومکوویاک، درمانگر ورزشی در یکی از شرکت‌های تابعه ویوانتس و عضو کمیسیون تعرفه‌ای وردی، یادآوری کرد که دولت ایالتی برلین در توافق ائتلافی خود وعده داده بود شرکت‌های تابعه ویوانتس را دوباره در شرکت مادر ادغام کند. به گفته تومکوویاک، «این اقدام به معنای برابری کامل کارکنان بود». اما این وعده عملی نشده است. او افزود که کارکنان برای دستیابی به این قرارداد جمعی ناچار شدند شصت روز اعتصاب کنند. «ما به دستاوردهای خود افتخار می‌کنیم. اما مبارزه ما برای شرایط کاری برابر و علیه ساختار دوطبقه‌ای نیروی کار (منظور شرکت اصلی و شرکت‌های پیمانکاری زیر مجموعه آن است) در ویوانتس هنوز به پایان نرسیده است.»

پس از توافق طرف‌های مذاکره در روز سه‌شنبه، مجمع اعتصاب‌کنندگان با اکثریت قاطع به آن رأی مثبت داد. اعتصاب از روز چهارشنبه به حالت تعلیق درآمد. زیلت، که همچنین ریاست بخش ایالتی سلامت، خدمات اجتماعی، آموزش و علوم در اتحادیه وردی را بر عهده دارد، تأکید کرد که همکاران تحت تأثیر این مذاکرات در برابر فشار شدید از سوی طرف‌های مختلف مقاومت کرده‌اند. او گفت: «آن‌ها با عزم راسخ این اعتصاب را پیش بردند و این نتیجه تعرفه‌ای را به دست آوردند.» هرچند دستیابی به همسان‌سازی در موارد اساسی با شرایط کاری و پرداختی قرارداد TVÖD دستاوردی مثبت است، اما نابرابری میان کارکنان شرکت‌های تابعه همچنان باقی می‌ماند. این توافق تعرفه‌ای همچنان شامل بیمه بازنشستگی شرکتی نیست؛ «مزیتی که برای کارکنان شرکت مادر امری بدیهی است و اعتصاب‌کنندگان با اصرار خواهان آن بودند». اعتصاب‌های آینده نیز منتفی نیست.

روزنامه یونگه ولت

25.06.2026

ترجمه: چت جی پی تی

ویراستار: محسن خوشبین

*اعتصاب دو روزه پرستاران و کارکنان بخش درمان و بهداشت در منطقه بنی‌ملال- خنیفره مراکش

روزهای چهارشنبه و پنج شنبه (24 و 25 ژوئن) پرستاران و کارکنان بخش درمان و بهداشت در منطقه بنی ملال - خنیفیه مراکش دست به اعتصاب زدند.



این اعتصاب به دعوت دفتر منطقه‌ای سندیکای مستقل پرستاران مراکش برگزار شد و بیشتر مراکز درمانی دولتی منطقه را دربر گرفت. خدمات اورژانس، مراقبت‌های ویژه و موارد حیاتی از اعتصاب مستثنا بودند.



بر اساس بیانیه اتحادیه، مهمترین مطالبات اعتصابکنندگان عبارت بود از:

پرداخت مطالبات و مزایای معوق کارکنان؛

پایان دادن به تبعیض در پرداخت حق الزحمه برنامه‌های سلامت؛

بهبود شرایط کاری و شغلی پرستاران و تکنسین‌های سلامت؛

اجرای تعهدات پیشین وزارت بهداشت و مسئولان منطقه‌ای؛

پایان دادن به سیاست تعلل و بی‌توجهی نسبت به خواسته‌های کارکنان درمان.



اتحادیه اعلام کرد که مسئولان دولتی به توافق‌ها و وعده‌های داده‌شده در نشست‌های گذشته عمل نکرده‌اند و همین مسئله موجب تشدید اعتراض‌ها شده است. همچنین این تشکل هشدار داد در صورت ادامه بی‌پاسخ ماندن مطالبات، اشکال گسترده‌تری از مبارزه صنفی در دستور کار قرار خواهد گرفت.

این اعتصاب بخشی از موج نارضایتی کارکنان بخش عمومی مراکش است که طی ماه‌های اخیر با محوریست دستمزد، مزایا، کمبود نیروی انسانی و شرایط دشوار کار در بخش سلامت ادامه داشته است.

***دومین سالگرد خیزش ضد گرانی در کنیا با راهپیمایی و سرکوب پلیس**

روز پنجشنبه 25 ژوئن همزمان با دومین سالگرد اعتراضات گسترده ضد مالیات و گرانی کنیا، هزاران نفر در شهرهای مختلف این کشور، به‌ویژه نایروبی و مومباسا، به خیابان‌ها آمدند.

اعتراضات امسال با هدف گرامیداشت یاد ده‌ها معترضی برگزار شد که در جریان خیزش سال 2024 در تیراندازی نیروهای امنیتی جان باختند. شرکت‌کنندگان با در دست داشتن گل، پلاکارد و تصاویر جان‌باختگان، خواستار محاکمه عاملان سرکوب، اجرای عدالت و پایان خشونت پلیس شدند.

دولت با استقرار گسترده نیروهای امنیتی، بستن راه‌های منتهی به مرکز نایروبی و محاصره ساختمان پارلمان، مانع برگزاری بخشی از مراسم یادبود شد. پلیس برای متفرق کردن تجمع‌کنندگان از گاز اشک‌آور استفاده کرد و بنا بر اعلام وزارت کشور، 355 نفر در نقاط مختلف کشور بازداشت شدند.



خانواده‌های قربانیان و سازمان‌های حقوق بشری اعلام کردند که با وجود وعده‌های دولت برای پرداخت غرامت و پیگیری قضایی، بخش بزرگی از پرونده‌های مربوط به جان باختگان و معترضان همچنان بدون رسیدگی مانده است. فعالان همچنین تأکید کردند که بحران هزینه‌های زندگی، بیکاری جوانان و نابرابری اقتصادی همچنان از عوامل اصلی نارضایتی اجتماعی در کنیا است.

اعتراضات 25 ژوئن نشان داد که مطالبات عدالت‌خواهانه و اقتصادی جنبش موسوم به «نسل Z» هنوز پایان نیافته و پس از دو سال همچنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی و اجتماعی دولت کنیا است.

akhbarkargari2468@gmail.com